

نسیم شرقی

گفتگو با آقای محمد سلیمانی، دبیر موفق شیمی مرکز آموزشی شهید هاشمی نژاد مشهد

سید علیرضا حقیقی

- باسلام، به رسم معمول مصاحبه‌ها، خودتان را برایمان معرفی کنید.
سلیمانی: به نام خدا، محمد سلیمانی هستم، متولد ۱۳۳۱ گناباد و اکنون هم به عنوان دبیر شیمی در مرکز آموزشی شهید هاشمی نژاد مشهد مشغول تدریس می‌باشم.
● خیلی مختصر و مفید بود. کمی از سوابق تحصیلی و کارهایتان برایمان بگویید.
سلیمانی: من در سال ۱۳۵۰ وارد دانشکده علوم دانشگاه فردوسی مشهد شدم و در سال ۱۳۵۴ در رشته شیمی این دانشگاه فارغ التحصیل شدم. از مرداد ماه ۵۷ هم به استخدام سازمان درآمدم.
● در مورد ورودتان به سازمان، بیشتر توضیح دهید.
سلیمانی: در بهار سال ۵۷ بود که سازمان آزمونی را برای استخدام مدرس برگزار کرد. در این آزمون که در تهران برگزار شد، فارغ التحصیلان دانشگاه با مدرک کارشناسی و بالاتر حق شرکت داشتند، البته شرط معدل هم بود. طی دو روز از ما آزمونی کتبی در زمینه شیمی به عمل آمد و بعد از اعلام نتایج و پذیرش در این آزمون بالاخره طی مصاحبه، عده‌ای جهت تدریس در سازمان انتخاب شدند. من هم به عنوان مدرس در مرکز مشهد مشغول به تدریس شدم. در حقیقت، ما اولین دبیران استخدامی مرکز مشهد بودیم و تا آن زمان سازمان در

مشهد، مرکزی نداشت. بعد از پذیرش به مدت ۳ ماه در یک دوره آموزشی در تهران شرکت کردیم. در آن برنامه که به صورت کارگاهی (کارسوق) بود موضوعاتی مثل روانشناسی تیزهوش، روش تدریس و روش ارزشیابی و ... تدریس می‌شد. در زمینه شیمی هم ما طرح درسی را تهیه می‌کردیم و سپس در سرکلاس در مقابل اساتید و همکارانمان آنرا ارائه می‌دادیم. در کل دوره خیلی خوبی بود. مرکز مشهد تا سال ۱۳۶۰ به کار خود ادامه داد ولی در مهرماه آن سال تعطیل شد که بعد از آن، من به آموزش و پرورش منتقل شدم. البته با راه‌اندازی دوباره مرکز مشهد در سال ۶۷ بار دیگر برای تدریس به سازمان آمدم.

● نحوه‌گزینش دانش‌آموز و همچنین انتخاب و ارائه محتوای درسی چگونه بود؟

سلیمانی: برای پذیرش دانش‌آموز در آن زمان، به ازای هر صد نفر دانش‌آموزی که قرار بود در مرکز مشغول به تحصیل شوند، ۳۰۰ نفر طی یک آزمون کتبی انتخاب می‌شدند و سپس طی مصاحبه‌ای از بین این‌ها، صد نفر را گزینش می‌کردند. محتوای درسی هم تقریباً آزاد بود یعنی مدرسین می‌توانستند برنامه و محتوای درسی خود را، البته در محدوده کتابهای آموزش و پرورش ولی نه کاملاً منطبق با آن، انتخاب کنند. امتحانات سازمان هم اکثراً داخلی بود به جز سال سوم راهنمایی که امتحان نهایی از طرف آموزش و پرورش برگزار می‌شد، گرچه دانش‌آموزان مرکز مشهد به سوم راهنمایی نرسیدند و مرکز تعطیل شد. الان، هم امکانات سازمان بیشتر است و هم برنامه‌ها به صورت منظم‌تری ارائه و انجام می‌شود، دانش‌آموزان هم خیلی قوی هستند. در کل با آن زمان قابل مقایسه نیست.

● چرا شیمی؟

سلیمانی: البته من از دوران دبیرستان به شیمی علاقه داشتم ولی جریان به این صورت بود که سال اول دانشگاه، برای رشته‌های گروه پزشکی و علوم پایه، عمومی و مشترک بود. در سال ۵۰ که وارد دانشگاه شده بودیم، در دانشگاه اعتصاب شد، که فکر می‌کنم به دلیل ورود گارد به داخل محوطه دانشگاه بود، و ما به سرکلاس‌ها منجمله «زیست‌شناسی» نرفتم. گرچه عده‌ای به کلاس رفتند و دروس زیست‌شناسی را گذراندند و می‌توانستند به رشته‌های گروه پزشکی بروند، اما ما تقریباً مجبور شدیم که یکی از رشته‌های علوم پایه را انتخاب کنیم که من به دلیل علاقه‌ام، «شیمی» را انتخاب کردم، البته در آن زمان شیمی جزء رشته‌های خوب هم بود.

● از اینکه معلم شدید خوشحالتريد يا از اينكه شيمي خوانده ايد؟

سليماني: طبعاً از هر دو، ولي از اينكه معلم هستم خوشحالترم.

● چرا؟

سليماني: چون يك معلم از هر آنچه در دانشگاه آموخته است، استفاده مي كند و آنها را به ديگران هم انتقال مي دهد. به عبارت ديگر معلّمی، انسان را از لحاظ فكري، جوان نگاه مي دارد چراكه آموزش مسأله‌اي پوياست.

● چه چيزي باعث شد ديبر مركز تيزهوشان بشويد؟

سليماني: زماني كه من از دانشگاه فارغ التحصيل شدم، فرصت‌هاي كاري زيادي براي من بود. مثلاً شركت مس سرچشمه و ذوب آهن اصفهان كه حتي رفتم و از نزديك كارشان را ديدم، ولي علاقه من به معلّمی از همه چيز، بيشتري بود. سازمان را هم به خاطر نوع دانش آموزاني كه در آن مشغول به تحصيل بودند، انتخاب كردم.

● يادتان هست اولين حضورتان در كلاس‌هاي سمپاد چگونه بود؟ تلخ، شيرين، ...؟

سليماني: مطلب خاصي را به ياد نمي آورم. البته شايد به اين خاطر كه در دوران دانشجويي هم سابقه تدريس داشتم و تجربه اولم نبود. ولي به طور كلي، حضور در كلاس درس، براي من آرامش خاصي مي آورد، انگار از تمام گرفتاريها و مشغوليات ذهني‌ام رها مي شوم. اصولاً تدريس به ويژه در مراكز سمپاد، به خاطر نوع دانش آموزان، براي من لذت بخش بوده است چراكه با آنها راحت تر ارتباط برقرار مي كنم و مي بينم هم بازده بيشتري است و هم بچه‌ها علاقمندترند.

● وظايف خود را به عنوان يك مدرس مراكز سازمان چگونه مي بينيد؟

سليماني: من اصولاً كلاس را محيط مقدسي مي دانم و به همين دليل با توكل خاصي وارد كلاس مي شوم. با دانش آموزان با احترام برخورد مي كنم و سعي هم مي كنم تقدس كلاس را حفظ نمايم. وجدان كاري را هم كه هيچگاه نبايد از ياد برد به ويژه در محيط سازمان كه مسؤليت ما هم بيشتري است.

● در مورد روش تدريس خودتان هم كمي برايمن توضيح دهيد؟

سليماني: من معمولاً در هر جلسه، در ابتدا، درس قبل را با دانش آموزان به صورتي پويا مرور مي كنيم، اگر سؤالي داشته باشند جواب مي دهيم و من هم از آنها سؤالاتي را مي پرسيم.

هیچ وقت برای اینکه دانش آموزی نتوانسته است سؤالی را پاسخ دهد، او را مؤاخذه نمی‌کنم. چراکه این فقط برای آموزش، جلب توجه و آماده شدن دانش آموزان برای ادامه درس است. در پایان هر فصل، از تمام مباحث تدریس شده. تا آن زمان، آزمونی می‌گیرم.

● از زمان تأسیس مرکز مشهد، هر سال یکی از دانش آموزان شما در تیم المپیاد شیمی عضویت داشته‌اند و تقریباً همه هم طلا گرفته‌اند، به نظر شما دلیل این موفقیت چیست؟

سلیمانی: البته باید بگویم نقش من در موفقیت این عزیزان قابل توجه نبوده‌است و بیشتر زحمات خودشان مؤثر بوده‌است. ولی در هر صورت، من معتقدم که دروسی مثل شیمی را باید پایه‌ای کار کرد. معلم باید این آزادی عمل را داشته باشد تا طرح درسش را خودش تدوین کند و فقط در چهارچوب کتابهای درسی محدود نشود. به عنوان مثال بعضی سر فصلها را جابجا کند، بعضی موضوعات را بیشتر باز کند و توضیح دهد تا دانش آموزان بتوانند احاطه بیشتری بر موضوع پیدا کنند و در نتیجه علاقمند شوند. مهمترین موضوع همین علاقمند کردن دانش آموزان است. علاقه که پیدا شد، بقیه کارها راحتتر پیش می‌رود. بچه‌های علاقمند خودشان پیگیر می‌شوند، می‌آیند و راهنمایی می‌خواهند. اینجاست که من هم آنها را راهنمایی می‌کنم و پیگیر روند مطالعاتی‌شان برای المپیاد شیمی خواهم بود. اگر هم به مشکلی برخوردند، با هم حلش می‌کنیم. در ضمن، در اینجا جا دارد از مسؤولین مرکز هم به خاطر تدارک کتابخانه غنی و آزمایشگاه مجهز آن تشکر کنم، چراکه این دو عامل، زمینه پیشرفت زیادی را برای بچه‌ها فراهم کرده‌است.

● آیا انتظار کسب این نتایج را داشتید؟

سلیمانی: بله، با شناختی که از بچه‌ها پیدا کرده بودم، واقعاً انتظارش را داشتم.

● در هر سال؟! !!

سلیمانی: تا به حال بله، هر سال، چون واقعاً علاقمند هستند و تلاش می‌کنند.

● نظرتان را در مورد کارکرد المپیادهای علمی که در کشور برگزار می‌شود، چیست؟ پیشنهادی

ندارید؟

سلیمانی: ببینید، من المپیاد را به خاطر انگیزه‌ای که در دانش آموزان برای رقابت سالم ایجاد کرده‌است و باعث افزایش سطح علمی آنها می‌شود، می‌پسندم و با آن موافق هستم. در ضمن المپیاد یک جهت دهی خاصی برای ادامه تحصیل در دانشگاه هم برای بچه‌ها ایجاد

می‌کند. خیلی از افراد که در مراحل مختلف المپیاد انتخاب می‌شوند، همان رشته را ادامه می‌دهند. البته این مسأله مطرح است که عده‌ای تا مرحله قبل از انتخاب تیم پیش می‌روند ولی در تیم انتخاب نمی‌شوند ممکن است مشکلاتی برای آمادگی جهت آزمون سراسری داشته باشد ولی تجربه نشان داده‌است که آنها هم به دلیل توانایی‌هایشان، اکثراً جزء رتبه‌های ممتاز کنکور بوده‌اند. ولی در هر صورت امکان پیدا شدن مشکل برایشان هست. به نظر من، همانطور که قبلاً هم صحبتش شده بود باید این امکان فراهم شود که این افراد بتوانند بدون شرکت در آزمون سراسری، ولی البته فقط در همان رشته، ادامه تحصیل بدهند. این به آینده کشور هم کمک می‌کند، چراکه نیروهای توانایی در این رشته‌ها تربیت خواهند شد. ولی در هر حال دانش آموز را نباید به المپیاد وابسته کرد.

● حتماً شنیده‌اید که می‌گویند دانش آموزان تیزهوش، «بی نظم» هستند، نظر شما چیست؟
 سلیمانی: به نظر من نمی‌توان اسم بی نظمی را بر روی آنها گذاشت. این به خاطر تفکر و آگرایی است که آنها دارا هستند. در عین حال که در همین به اصطلاح بی نظمی «نظم خاصی» را دارا هستند که کاملاً قابل مشاهده‌است. اگر بی نظم بودند که موفق نمی‌شدند، چون نظم یکی از ملزومات موفقیت است.

● مغرور چطور؟

سلیمانی: این موضوع هم علیرغم اینکه زیاد شنیده‌ام، اصلاً صحیح نیست. دانش آموزان مراکز، نوعاً بسیار صمیمی و متواضع هستند. الان شاید صمیمی‌ترین و متواضع‌ترین دوستان من از بین فارغ التحصیلان سازمان باشند. البته ممکن است موارد استثنایی هم باشد.

● چه عواملی را در آموزش بهتر شیمی مؤثر می‌دانید و در این خصوص چه توصیه‌ای به دیگر همکاران بخصوص همکاران جوان خود دارید؟

سلیمانی: علاوه بر مسائلی که گفته شد، من اعتقاد دارم، در آموزش شیمی، استفاده از «آزمایشگاه»، نقش بسیار مهمی دارد. در این مورد هم نباید مسائل را در مورد آزمایش از قبل برای دانش آموزان توضیح داد. من بر اساس تجربه دریافته‌ام که دانش آموزان دوست ندارند از قبل همه چیز را بدانند. تدریسی که با آزمایش همراه است بازدهی بهتری دارد و درک و یادگیری را برای دانش آموز ساده‌تر و پایدارتر می‌کند چرا که خود دانش آموز هم در روند آموزش دخیل است.

● به نظر شما، وضعیت کتابهای شیمی دبیرستان چگونه است؟ آیا پیشنهادی دارید؟

سلیمانی: ببینید، بر روی محتوای کتب درسی شیمی، چه نظام قدیم و چه نظام جدید باید بیشتر کار شود. متأسفانه هنوز اشتباهات قابل توجهی در کتابها وجود دارد. شاید از نظر ارائه مطلب و نحوه آموزش هم بتوان تغییراتی در آنها انجام داد و موضوعات را به صورت مفهومی تری ارائه نمود. بعلاوه با پیشرفت‌های سریع علم شیمی، باید مباحث جدید روز هم در کتابها گنجانده شود. یکی از مشکلات این درس بویژه در نظام جدید، زمان کمی است که برای آموزش آن اختصاص داده شده. که واقعاً کفایت نمی‌کند.

● بعضی‌ها می‌گویند دوران دانش‌آموزی دوران آموزش است نه تحقیق و عده‌ای برعکس معتقدند تحقیق و پژوهش را باید از همان دبیرستان و راهنمایی آغاز کرد. نظر شما چیست؟

سلیمانی: من معتقدم، تحقیق و پژوهش باید از دوران دانش‌آموزی پایه ریزی شود. معروف است که: «چوب تر را چنان که خواهی پیچ» به علاوه به نظر من این مسأله از نظر اجتماعی هم مهم است چرا که داشتن روحیه تحقیق در دانش‌آموز باعث می‌شود که او دید بهتر و بازتری نسبت به قضایا پیدا کند و بتواند در عرصه زندگی هم بهتر و سنجیده‌تر تصمیم بگیرد.

● از دوران پیروزی انقلاب خاطره‌ای دارید که برای خوانندگانمان بگوئید؟

سلیمانی: فکر می‌کنم تابستان ۵۷ بود که نماز عید فطر به امامت شهید مفتاح در قیصریه تهران برگزار شد و بعد از آن هم تبدیل به راهپیمایی شد. شاید آن موقع عظیم‌ترین تظاهراتی بود که من در آن شرکت داشتم و حتی دیده‌بودم. یادم هست که مأمورین راهنمایی و رانندگی هم با مردم همکاری می‌کردند که این نوید نزدیکی پیروزی انقلاب را می‌داد. این صحنه‌ها هنوز هم برای من خاطره شیرین آن زمان را زنده می‌کند. همان زمان، وقتی که خبرنگاران می‌خواستند با شهید بهشتی مصاحبه کنند ایشان بدون کمک مترجم به سؤالات پاسخ می‌گفتند که تسلط ایشان بر زبانهای خارجی برای خبرنگاران جالب به نظر می‌رسید که حتی به خودشان هم گفتند. این موضوع برای من هم جالب بود.

● دانش‌آموزی داشته‌اید که شهید شده باشد؟ برای تبرک در موردشان کمی بگوئید.

سلیمانی: بله، سال اولی که در دبیرستان میرزا کوچک خان مشهد مشغول به تدریس بودم. چند دانش‌آموز داشتم که شهید شدند. غفاریان: عبدالله‌زاده و ... اینها بچه‌هایی بودند که در

سرکلاس هم همیشه از بقیه متمایز بودند. افرادی علاقمند به مسائل مذهبی و اجتماعی و جالب است که از نظر درسی هم جزء شاگردان ممتاز به حساب می آمدند.

● وقتی خسته می شوید چه می کنید؟

سلیمانی: مطالعه می کنم.

● فقط؟

سلیمانی: معمولاً مطالعه می کنم یا گاهی با خانواده بیرون می رویم ولی هیچ چیز مثل مطالعه خستگی ام را رفع نمی کند.

● حتی خواب؟!

سلیمانی: خواب که جای خودش را دارد. معمولاً کتابهایی در زمینه شیمی مطالعه می کنم و گاهی هم کتابهای جامعه شناسی و روانشناسی را می خوانم. البته اگر فرصت کنم، ورزش هم می کنم، به شنا بیشتر علاقه دارم.

● نظرتان را نسبت به «نمره»، فقط در یک جمله! بگویید.

سلیمانی: ملاک خوبی برای سنجش نیست!

● بیشتر توضیح بدهید؟

سلیمانی: ببینید برای من چگونگی و روند پیشرفت یک دانش آموز بیشتر مهم است تا نمره و رقه امتحانی اش چرا که معتقدم موفقیت یک دانش آموز در یک درس به کل زمان سروکارش با آن درس وابسته است و نه به یک زمان خاص نیم یا یک ساعته. اینطوری نمی توان میزان اطلاعات واقعی را سنجید. به همین دلیل همیشه ارزشیابی دانش آموزان را در طول زمان کلاس ها انجام می دهم و نه فقط با توجه به نمره امتحانشان.

● در طول دوران تدریس تان، از دانش آموزی تأثیر پذیرفته اید؟

سلیمانی: بله، به عنوان نمونه، صبر و متانت مرحوم «رضا صادقی» همیشه برایم جالب و الگو بوده است. واقعاً آرامش خاصی داشت که هیچگاه از او دور نمی شد.

● نظر شما نسبت به برنامه های تلویزیون چیست؟

سلیمانی: فکر نمی کنید نظم منطقی سؤالات، کمی به هم می ریزد؟

● نه، در عین همین به اصطلاح بی نظمی هم نظم خاصی داریم!!!

سلیمانی: بله درست است! البته من زیاد برنامه های تلویزیون را نگاه نمی کنم. فقط اخبار را

به صورت منظم می‌بینم و گاهی هم برنامه‌های علمی را. معمولاً کمتر فرصت دیدن برنامه‌های تلویزیون را پیدا می‌کنم، ولی شبکه ۴ را به خاطر برنامه‌های علمی‌اش بیشتر می‌پسندم.

● یادتان هست در دوران شما، کنکور ورود به دانشگاه چه حال و هوایی داشت؟

سلیمانی: سال ۵۰ که ما وارد دانشگاه شدیم، شرکت در آزمون سراسری تب و تاب الان را نداشت حالا علاقه مردم به ادامه تحصیل خیلی بیشتر شده است و بعلاوه امکانات آموزشی و کمک آموزشی هم بیشتر است. در نتیجه رقابت هم نزدیک تر و فشرده تر شده است. که این هم خود گاهی باعث ایجاد تنش زیادی در بین دانش آموزان حتی دانش آموزان مراکز سازمان می‌شود.

● یک آرزو برای خودتان!

سلیمانی: زیارت مکه مکرمه.

● تا به حال مشرف نشده‌اید؟

سلیمانی: خیر، تا بحال سعادت همراه نبوده است.

● نظرتان را نسبت به فارغ التحصیلان سازمان، فقط در یک جمله بگوئید؟

سلیمانی: آدمهای خوبی هستند!!!

● یک آرزو برای فارغ التحصیلان سازمان

سلیمانی: برایشان آرزوی موفقیت و سلامتی می‌نمایم و همیشه برای آنها دعا می‌کنم.

● وظایف فارغ التحصیلان سازمان را چگونه می‌بینید؟

سلیمانی: امیدوارم در آینده با قبول مسؤولیتی که بر عهده خواهند گرفت و تلاش بی‌وقفه‌شان، منشأ تحولات مثبتی در جامعه بشوند. در حقیقت، آنها جزء امیدهای آینده مملکت هستند. در مورد سازمان هم، باید مراکز را یاری کنند. با مراکز در زمینه مسائل آموزشی و تربیتی همکاری داشته باشند و نیز با دانش آموزان ارتباط مستقیم برقرار نمایند. این فعالیت‌ها به افزایش کیفیت آموزشی مراکز و همچنین هدایت تحصیلی موفق تر دانش آموزان کمک زیادی می‌کند.

● با کارسوق‌های سازمان که آشنا هستید. در مورد این برنامه‌ها صحبتی دارید؟

سلیمانی: این کارسوق‌ها، تا آنجا که من دیده‌ام و دانش آموزان هم به من منتقل کرده‌اند، از نظر آموزشی بسیار مفید هستند. مخصوصاً که آموزش و یادگیری به صورتی پویا، مفهومی و

دو طرفه انجام می‌گیرد و ارتباط نزدیکی هم بین مدرسین که نوعاً فارغ التحصیلان سازمان هستند با دانش آموزان برقرار می‌شود. کارکرد این کارسوق‌ها به ویژه از نظر ایجاد انگیزه و جهت دهی مطالعاتی هم واقعاً خوب بوده‌است. در هر صورت، تداوم و گسترش این نوع فعالیت‌ها، به نظر من بسیار مفیداست.

● با توجه به اینکه شما از اولیای دانش آموزان سازمان هستید، نقش پدر و مادر را در موفقیت فرزندان چگونه می‌بینید؟

سلیمانی: شخصیت هر فردی در مرحله اول در خانواده و سپس در مدرسه شکل می‌گیرد. پس اینها نقش خیلی مهمی دارند و لذا ارتباط نزدیک و پیوند ایندو محیط با هم کاملاً ضروری است. من این مسأله را به تجربه کاملاً درک کرده‌ام که هر چه این ارتباط بیشتر باشد، مدرسه و خانواده هر دو بهتر وظیفه خود را چه در زمینه تربیت مذهبی و تربیت اجتماعی و چه در مورد پیگیری وضعیت تحصیلی دانش آموز، انجام خواهند داد.

● از دوران تدریس تان خاطره جالبی دارید که برایمان بگویید:

سلیمانی: یادم می‌آید، یک روز، اول ساعت درسی بود، داشتم از بچه‌ها سؤال می‌پرسیدم. رضا (صادقی) هم در همان کلاس بود و بدون توجه به من داشت مسأله ریاضی حل می‌کرد. می‌دانستم دارد خودش را برای شرکت در آزمون المپیاد ریاضی که فردایش بود، آماده می‌کند، به او گفتم، «رضا جان، اگر بخواهی می‌توانی بروی بیرون و ریاضی کارکنی» رضا هم در کمال خونسردی جواب داد. «نه همین جا راحت‌ترم، مسأله را می‌توانم حل کنم!!!» یک بار هم، شعری را در مورد جدول مندلیف نوشته بود. و به عنوان تحقیق به من داد، که مصرع اولش این بود: «به کتاب شیمی ما شده جدول بدی سبز» و در آن در مورد جدول، گروه‌های عناصر و خواص شان، مطالبی را توضیح داده بود، به عبارتی تدریس جدول به صورت شعر بود.

● و کلام آخر؟

سلیمانی: امیدوارم دانش آموزان و فارغ التحصیلان سازمان با تلاش و کوشش و با توکل به خداوند بزرگ در پیشرفت مملکت اسلامیمان سهیم باشند. از مسؤولین سازمان هم که چنین محیطی را برای آینده سازان جامعه‌مان فراهم کرده‌اند، سپاسگزارم و همچنین از شما که چنین فرصتی را برای صحبت در اختیار من قرار دادید.

● ما هم از اینکه وقت ارزشمندتان را در اختیار ما قرار دادید، متشکریم. موفق باشید.